

## بررسی تکنیک‌های طنزپردازی مشترک و کارکردهای آن؛ در مجموعه‌های «هوای تازه» از شاملو و «لافتات» از احمد مَطَّر

حبيب حاجی‌پور، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد نیشابور و مدرس دانشگاه فرهنگیان بیرجند  
habib.hajipoor@yahoo.com

### چکیده

استفاده از طنز به نیت بازگویی دغدغه‌های مردمی، روشی ایده‌آل برای شاعرانی است که با حکومت‌های استبدادی روبه‌رو هستند. در ایران (دوران پهلوی دوم) و عراق (دوران بعث) به دلیل فضای بسته سیاسی و اختناق حاکم، احمد شاملو در مجموعه «هوای تازه» و احمد مَطَّر در مجموعه «لافتات»، با سودجستن از شگردهای متنوع طنزسرایی، به تشریح کاستی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند و شعر خود را بستری مناسب جهت تبیین دغدغه‌های خرد و کلان قرار داده‌اند. بررسی این شگردها در سروده شاملو (نماینده ادب فارسی) و مَطَّر (نماینده ادب عربی) با رویکرد تطبیقی (آمریکایی) و روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد که دو شاعر با استفاده از ترفندهایی چون تشبیه و استعاره‌های خنده‌دار؛ تهکّم و استهزاء؛ واژه‌های طنزآمیز، توصیف خنده‌دار، اغراق و تناقض، ضمن قوام بخشیدن به ساختار طنزهای خود، بر اثربخشی انتقادهای مورد نظرشان افزوده‌اند. کارکرد اصلی طنز در سروده‌های مَطَّر، سیاسی و در شعر شاملو، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و به هدف تولید خنده و تفکر به موازات هم خلق شده است تا با ساختارشکنی مبانی رسمی جامعه، زمینه‌های لازم برای تحولات شخصی و اجتماعی و رسیدن به آینده آرمانی فراهم گردد.

واژگان کلیدی: طنز، تکنیک‌های طنزپردازی، احمد شاملو، احمد مَطَّر، جامعه.

### ۱. مقدمه

طنز یکی از ابزارهای مؤثر برای انتقاد از کم و کاستی‌های موجود در جامعه است. اهل ادب به این دلیل که همواره با نگاهی تیزبین و موشکافانه مسائل گوناگون فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهند، از بهترین روش‌ها برای بازنمایی و تبیین نقص‌ها و مشکلات استفاده می‌کنند. طنز دارای قابلیت‌های ویژه‌ای برای تشریح دغدغه‌های یک شاعر متعهد است. با بهره‌گیری از این ترفند ادبی، ضمن اینکه مخاطب می‌خندد، به تفکر فرومی‌رود. اگرچه در طنز، نگاهی همراه با تمسخر و ریشخند وجود دارد، اما هدف غایی از به‌سخره‌گرفتن موضوعات، بازنمایی کمبودها و در صورت امکان، ارائه راه‌حلی متقن برای از میان برداشتن آن است. به این اعتبار، در تعریف طنز گفته‌اند: «به نوع خاصی از آثار منظوم و منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد» (اصلائی، ۱۳۸۷: ۱۴) و ضرورت مقابله با آن را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح می‌کند.

طنز در ادب فارسی و عربی پیشینه‌ای دور و دراز دارد که این امر ناشی از اوضاع نامطلوب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع ایرانی و عربی در طول تاریخ است. طنزپردازان به مدد بهره‌گیری از این عنصر ادبی، به ناهنجاری‌ها تاخته و عاملان آن را مورد انتقاد و نکوهش قرار داده و به مردم معرفی نموده‌اند. در دوران معاصر نیز، با توجه به فراز و نشیب حکومت‌ها در ایران و عراق، طنز بستری مناسب برای اظهار نظر منتقدان فراهم کرده است. طنز متعهد فارسی، پس از انقلاب مشروطه جانی دوباره گرفت و وارد مسیری تازه‌ای شد که تا امروز نیز، ادامه دارد. در دوره مشروطه، «پیشوایی شعر طنز، با سید اشرف‌الدین گیلانی و پیشوایی نثر طنز با دهخدا دبیر روزنامه صور اسرافیل است». (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۲/ ۳۹) جریان طنزسرایی در ادبیات عربی معاصر نیز، برجسته بوده است. محمود درویش،

احمد شوقی، ایلیا ابوماضی، ابراهیم طوقان، سمیح القاسم، معروف رصافی، عبدالوهاب بیاتی و ... چهره‌های شاخص طنز عربی معاصر محسوب می‌شوند. آنها آثار خود را ابزاری برای بازگویی بینش مردم معاصر عرب قرار دادند و سروده‌های خود را به تریبونی اثرگذار برای تشریح دغدغه‌های مشترک بدل ساختند.

در میان شاعران فارسی و عرب‌زبان، احمد شاملو و احمد مطر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. آنها در برهه‌ای از تاریخ ایران و عراق زندگی کرده‌اند که همراه با اختناق‌های سیاسی و ضعف‌های اجتماعی پیدا و پنهان بوده است. اگرچه در هیچ منبعی به تأثیر و تأثر مستقیم یا غیرمستقیم دو شاعر اشاره نشده است، اما شرایط نابسامان سیاسی در ایران و عراق باعث قرابت فکری آنها شده و شعر سیاسی - اجتماعی را به مهم‌ترین شاخصه طنز آن دو بدل کرده است. شاملو و مطر، با استفاده از تکنیک‌های طنزپردازی گوناگون، پیام مورد نظر خود را با بیانی شیواتر و زبانی رساتر به گوش جان مخاطبان عام و خاص خود رسانده و در حوزه ادبیات انتقادی و متعهد سرآمد شده‌اند. از این-رو، در مقاله حاضر، طنزسروده‌های شاملو و مطر با رویکرد تطبیقی (آمریکایی) و روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که تکنیک‌های طنزپردازی مشترک در طنزهای دو شاعر چیست و چه کارکردی دارد؟

#### ۱-۱. بیان مسئله

بررسی تطبیقی شگردهای طنزپردازی مشترک در مجموعه «هوای تازه» از شاملو و مجموعه «لافتات» از مطر و تبیین خویشکاری و تعهد دو شاعر در پرداختن به دغدغه‌های مردم و تشریح دردهای مشترک اجتماعی، مسئله اصلی این پژوهش است. بدین منظور، جوامع ایران در زمان پهلوی دوم و عراق در دوران حکومت بعث مورد نظر قرار گرفته است. شاملو و مطر در دوره‌ای زندگی می‌کردند که به دلیل شرایط بسته سیاسی، از ابراز نظر آزادانه محروم بودند و آثار آنها و شاعران دیگر با سانسور شدید روبه‌رو می‌شد. انتقاد از حکومت و مبانی ناعادلانه آن، جرم به شمار می‌آمد و به چالش کشیدن زمامداران بی‌کفایت با پیامدهای ناگواری همراه بود. در چنین فضایی، طنز، کورسوی امید را برای تغییر و رسیدن به وضعیت ایده‌آل زنده نگه می‌داشت.

شاملو و مطر به لحاظ شخصیتی، منظومه فکری و تجربه‌های فردی دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که منجر به نزدیکی نگرش آنها شده است. این ویژگی‌ها عبارتند از: رویکرد اصلی طنزهای هر دو شاعر، سیاسی و اجتماعی است؛ هر دو شاعر، اختناق و فضای بسته سیاسی را لمس کرده‌اند؛ هر دو شاعر، از شعر به عنوان ابزاری جهت آگاهی لایه‌های اجتماعی و اعتراض به وضع موجود بهره برده‌اند؛ هر دو شاعر، به روزنامه‌نگاری مشغول بوده‌اند.

#### ۱-۲. پیشینه تحقیق

تاکنون در هیچ پژوهشی، طنزهای شاملو و مطر با رویکرد تطبیقی بررسی نشده است، اما پیرامون اشعار هر یک، تحقیقاتی انجام شده است که به آن اشاره می‌شود:

- صدقی و قدیمی (۱۳۸۴)، در مقاله خود به مهم‌ترین عناصر معنایی شعر احمد مطر یعنی بی‌پروایی و بلندپروازی شاعر، ستمگری و تکبر حاکمان، بدبختی و ستم‌پذیری مردم و پلیدی و سمجی جاسوسان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که شاعر با کمک این عناصر چهارگانه، موفق به ارائه تصویری طنزآمیز و بزرگ‌نمایی شده از مشکلات کشورهای عربی شده است.

- رجبی (۱۳۹۱)، در مقاله خود به مقایسه رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و مطر پرداخته و نشان داده است که طنزهای آنها آگاهی را بیش از هر چیز در مخاطبان خویش تبلور داده و فضا را برای داشتن اجتماعی مطلوب فراهم کرده است.

- گذشتی و دلاور (۱۳۹۲)، در مقاله خود به تحلیل کاربردشناختی طنز در شعر احمد شاملو پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ظهور طنز در آثار شاملو ناشی از روحیه نقادی و تعهد به انسان و جامعه است. او در طنزهای خود به

بررسی تکنیک‌های طنزپردازی مشترک و کارکردهای آن؛ در مجموعه‌های «هوای تازه» از شاملو و «لافتات» از احمد مَطَر / ۳

ارتجاع، ریا، سرکوب اجتماعی، جهل و دروغ اشاره کرده است. تخطی از اصول همکاری، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کاربردشناختی طنز شاملو محسوب می‌شود و نقض اصل ارتباط، پرکاربردترین شیوه ساخت طنز در سروده اوست.

- مختاری، سپهری‌نیا و جوکار (۱۳۹۲)، در مقاله خود به مقایسه محتوای سیاسی-اجتماعی طنزهای عبید زاکانی و مَطَر پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که عبید در طنزپردازی گاهی به هزل‌گرایی پیداکرده است، اما مَطَر با رعایت جوانب ادب، از حقایق تلخ روزگارش سخن گفته و برخلاف عبید، شعر خود را تنها برای مبارزه با حکومت به کار گرفته است.

- صفایی و علیزاده جوینی (۱۳۹۳)، در مقاله خود به تحلیل گفتمان و گفتمان طنز در شعر «حرف آخر» شاملو پرداخته و نشان داده‌اند که شعر مذکور مبتنی بر تقابل گفتمانی است و بی‌آنکه به منطق گفتمان وفادار باشد، از مؤلفه‌های گفتمانی و ادبی به ویژه مؤلفه‌های طنزآفرین برای تثبیت و تقویت گفتمان همسو و نقض گفتمان بهره برده است.

- عظیمی و سپهوند (۱۳۹۶)، در مقاله خود به بررسی تطبیقی طنز سیاسی-اجتماعی در اشعار نسیم شمال و مَطَر پرداخته و نشان داده‌اند که هدف دو شاعر از پرداختن به طنز، بیداری مردم خواب‌زده ایرانی و عرب و در سطحی وسیع‌تر، تمام جهانیان بوده است.

## ۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

طنز ابزاری سودمند برای بازنمایی مشکلات اجتماعی و ارائه راه‌حلهایی کارآمد جهت رفع موانع رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی است. شاعران متعدّد و مردمی با استفاده از طنز، ضمن پابندی به خویشتکاری شاعرانه، شعر خود را محملی مناسب برای تبیین خواسته‌های آحاد جامعه ساخته‌اند. شاملو و مَطَر در جوامعی زندگی کرده‌اند که عوامل زمینه‌ساز کمال انسانی، به واسطه بی‌کفایتی مسئولان از بین رفته بود. از این رو، با دست‌مایه قرار دادن طنز به نقد کاستی‌ها پرداختند. بازخوانی سروده‌های دو شاعر و تطبیق رویکرد آنها، منجر به شناسایی عناصر تضعیف‌مبانی زندگی اجتماعی در خاورمیانه و اتخاذ راهکارهای کارساز برای حل و رفع آن می‌شود.

### ۱-۲. بررسی فضای سیاسی و اجتماعی ایران و عراق در زمان حکومت‌های پهلوی دوم و حزب بعث

در دوران پهلوی دوم به دلیل فضای بسته سیاسی و نبود آزادی بیان، امکان انتقادهای صریح و جدی فراهم نبود. حکومت وقت با منتقدان غیردوستانه برخورد می‌کرد و اعتراض‌ها در نطفه خفه می‌شد. شاملو که از تعهد شاعرانه خود و مسئولیتی که در قبال جامعه داشت، به خوبی آگاه بود، نمی‌توانست تنها به تشریح درونی‌ها و عواطف خود بسنده کند و از سیاست‌های ناروای حکومت وقت سخنی به میان نیاورد. این رویکرد شاعر، موجب طرد شدن وی از کانون قدرت شد. او بارها تحت تعقیب قرار گرفت و به زندان افتاد. در دوران حکومت حزب بعث در عراق نیز، چنین شرایط نامساعدی حکمفرما بود. صدام و عمال او پذیرای هیچ انتقادی نبودند و سرکوب‌ها در این دوران سیر صعودی یافت. «اوضاع آشفته سیاسی و اجتماعی عراق، آرامش و سکوت او (احمد مَطَر) را بهم ریخت و وی را مجبور ساخت تا با تمام وجود به ساحت خطرناک مبارزات سیاسی گام نهد». (محسنی، ۱۳۹۶: ۲۳۹) پس از مدتی که حکومت از جانب مَطَر احساس خطر کرده بود، با افزایش فشارها او را مجبور به خروج از کشور کرد. مَطَر چند سالی در کویت زندگی کرد، ولی در این کشور هم، از سوی حکومت طرد شد. در نهایت، او به سال ۱۹۸۶ میلادی به انگلستان سفر کرد و تا به امروز در شهر لندن زندگی می‌کند.

اوضاع موجود در دو کشور ایران و عراق باعث شده بود، دو شاعر برای تشریح انتقادهای خود از زبان طنز استفاده کنند. آنها به دلیل باور به رسالت و تعهد ادبی، خود را موظف به انتقاد از کم و کاستی‌های موجود می‌دانستند. شعر برای شاملو و مَطَر، جولانگاه تخیل و مباحث غنایی و شخصی نبود، بلکه هدف آنها از پرداختن به طنز، بازگویی

دردهای مشترک خلق و برانگیختن جامعه برای درهم‌شکستن مبانی ظالمانه و آلوده به فساد حکومت‌ها و تحقق برابری اجتماعی بوده است. یکی از دلایلی که باعث اثرگذاری طنزهای شاملو و مطر در سطحی فراگیر شده، استفاده از شگردهای متنوع است. دو شاعر در سایه توجه به تکنیک‌های گوناگون، به جنبه‌های مختلف ضعف‌های اجتماعی پرداختند و با برجسته کردن ناهنجاری‌ها، بر گستره شناخت مخاطبان خود افزودند. به این اعتبار، شعر شاملو و مطر به آیینۀ تمام‌نمای جوامع ایران و عراق در یک بازه زمانی مشخص بدل شده است.

## ۲-۲. احمد شاملو

شاملو آذر ماه ۱۳۰۴ در تهران دیده به جهان گشود. او یکی از برجسته‌ترین چهره‌های شاخص در گستره شعر معاصر فارسی به شمار می‌رود. آنچه باعث شده است، سروده‌های شاملو مورد توجه قرار بگیرند، نگرش ویژه او به جنبه‌های کاربردی شعر است. او موضوعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی ادبی را در دفترهای شعری خود بازتاب داده و مؤفق به خلق آثاری درخور و متعهد شده است. دفترهای شعری او عبارتند از: «آهنگ‌های فراموش‌شده»، «قطع‌نامه»، «آهن‌ها و احساس»، «هوای تازه»، «باغ آینه»، «آیدا در آینه»، «لحظه‌ها و همیشه»، «درخت و خنجر و خاطره»، «ققنوس در باران»، «از هوا و آینه‌ها»، «مرثیه‌های خاک»، «شکفتن در مه»، «ابراهیم در آتش»، «دشنه در دیس» و «مدایح بی‌صله». در این بین، هوای تازه از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. این مجموعه، شامل شعرهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۵ خورشیدی احمد شاملوست. «هوای تازه یک سرگذشت است ... [شاملو در این دفتر] داستان انسان [مورد نظر] خود را بیان می‌کند ... این سفرنامه دردناک و حتی وحشت‌انگیز و رقت‌آوری است مثل همه سفرنامه‌های بشریت». (اخوان‌ثالث، ۱۳۹۲: ۲۰۰-۱۹۹) اهمیت و روایی این مجموعه به اندازه‌ای است که برخی عقیده دارند «از انتشار این کتاب به بعد است که باید درباره شعر شاملو قضاوت کرد». (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۱۰۹) او در این اثر به شدت تحت تأثیر طرح، زبان و دیدگاه نیما بوده است. شاملو در این باره می‌گوید: «نیما طرحی نو ارائه کرد. از شاگردان او یکیش که بنده باشم، مدتی چنان به تقلید او پرداختم که طرح و زبان و دیدم را هم از او گرفته بودم. این دیگر مثل آفتاب روشن است. یک نگاه به اوایل هوای تازه بکنید تا به عرضم برسید. این امری کاملاً طبیعی است». (عسگری‌پاشایی، ۱۳۷۸، ۱: ۹۲) نگاهی به چهارچوب فکری شاملو در این مجموعه، روشن می‌سازد که «زمینه اصلی شعرهای او را عواطف ناشی از تأثرات اجتماعی ... رقم می‌زند» (پورنامداریان، ۱۳۹۲: ۱۳۰) و تراوش‌های ذهنی او رنگ و بویی سیاسی و اجتماعی دارند. رویکرد شاعر در این رابطه، انتقادی و همراه با طنز و کنایه نسبت به همه مفاهیم، قوانین و ارزش‌های حاکم است.

## ۲-۳. احمد مطر

احمد مطر به سال ۱۹۵۰ میلادی در روستای تنومه بصره به دنیا آمد. او در برهه‌ای از تاریخ عراق که مملو از اختناق و نابرابری اجتماعی بود، دیده به جهان گشود. این شرایط در دوران نوجوانی، جوانی و بزرگسالی او هم، ادامه پیدا کرد. تحمل این وضعیت برای مطر حقیقت‌جو و منتقد دشوار بود. از این رو، با سلاح قلم به نبرد با کاستی‌های جامعه عراق پرداخت و به مبانی رسمی و تک‌صدای وقت تاخت. مطر «شعر را از چهارده سالگی تجربه کرد و بر سیاق معهود، نخستین شعرهای او شعرهایی رمانتیک اندر وصف مغازله‌های پرسوز و گداز بود. سپس، در همان اوان جوانی با درک وضع و حال جامعه، به شعر سیاسی روی آورد». (رضایی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۵) شعر او همواره تریبون مردم گرفتار در چنگال استبداد بوده است. نگاه اعتراضی مطر تنها به حاکمان کشورش محدود نشده و همه سلاطین عرب را دربر گرفته است. سروده‌های او آیینی‌ای شفاف از پلشتی‌های جامعه‌ای است که سال‌ها از سوی منفعت‌طلبان داخلی و خارجی چپاول شده است. روحیه انقلابی‌گری و برهم‌زدن نظم حاکم بر جامعه، یکی از عمده‌ترین محورهای طنزهای او است. به این دلیل، چاپ و نشر آثار او در بیشتر کشورهای عربی ممنوع اعلام شده و خودش هم، حق حضور در این کشورها را ندارد.

یکی از آثار ارزشمند شاعر، لافتات به معنی پلاکارد است که در طول سال‌های متمادی (۱۹۸۴، ۱۹۸۷، ۱۹۸۹، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹) سروده شده و در هفت دفتر گرد آمده است. احمد مَطَر در ارتباط با وجه تسمیه این نام می‌گوید: «شعر من پلاکاردی است که صدایی عصیان‌زده در خود دارد و موضوع سیاسی خود را بدون هیچ ملاحظه‌ای اعلام می‌کند... این ویژگی‌ها که در شعر من به چشم می‌خورد، کم و بیش همان ویژگی‌هاست که در پلاکاردهای تظاهرکنندگان وجود دارد. این ویژگی‌ها مانند ایجاز، آسانی زبان، موضع‌گیری مشخص و تند به هدف برانگیختگی است که در شعر من با لباس تکنیک ظاهر می‌شود». (بی‌نام، ۱۳۸۰: ۱۸۲) او به نیت روشنگری و برملا کردن چهره واقعی حاکمان کشورهای عربی از ابزار شعر بهره برد و مؤفقت‌های او در این زمینه، منجر به تبعید او از وطن شد.

## ۲-۴. شگردهای طنزپردازی مشترک در شعر شاملو و مَطَر

### ۲-۴-۱. تشبیه و استعاره‌های خنده‌دار

شاعر با استفاده از تشبیه و استعاره که خیال‌انگیزترین صور خیالی هستند، مرزهای تخیل خود را تا بی‌نهایت گسترش می‌دهد و با این ترفند، بر جذابیت اثر خود می‌افزاید. یکی از بسترهای اصلی کارکرد استعاره و تشبیه در اشعار طنز است. طنزپرداز با مشبه یا مشبه‌به قرار دادن سوژه مورد نظر، گامی اساسی برای تولید خنده و جذب مخاطب برمی‌دارد. او با حالت مقایسه‌ای که میان دو طرف تشبیه برقرار می‌کند، مخاطب را به تفکری آمیخته به خنده، وامی‌دارد. همچنین، گاهی با بیان استعاری، موفق به طرح و شرح نقدی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و ... می‌شود. شاملو با آگاهی از قابلیت‌های ویژه تشبیه و استعاره، شعر «رانده» را سروده است. او از افسردگی و سردی جامعه معاصر ایران سخن گفته و از بی‌تفاوتی مردم نسبت به خویشتن خود انتقاد کرده است. شعر مذکور انعکاس‌دهنده سرگردانی و بلا تکلیفی مردمی است که بی‌هدف و ناامید تلاش می‌کنند و انگیزه تغییر در آنها چندان اثربخش نیست. این نگرش منفی در اندیشه شاعر به عنوان یکی از افراد جامعه نیز، بازتاب دارد.

دست بردار ازین هیکل غم / که ز ویرانی خویش است آباد

دست بردار که تاریکم و سرد / چون فرومرده چراغ از دم باد ...

رانده‌اندم همه از درگه خویش / پای پر آبله، لب پر افسوس

می‌کشم پای بر این جاده پرت / می‌زنم گام بر این راه عبوس

پای پر آبله، دل پر اندوه / از رهی می‌گذرم، سر در خویش

می‌خزد هیکل من از دنبال / می‌دود سایه من پیشاپیش. (شاملو، ۱۳۷۲: ۲۱-۲۰)

این فضای تیره در شعر «خفاش شب» نیز، تکرار شده است. شعر با کوری و بی‌دغدغه بودن خفاش آغاز می‌گردد و سیمای جامعه ایران که نشانه‌های زندگی در آن محو شده است، به نمایش درمی‌آید. مرغی بر شاخه درخت پَر نمی‌زند و بادی نمی‌وزد و سگی عوعو نمی‌کند و در یک کلام، جامعه از جنب و جوش باز ایستاده است. شاملو از اضمحلال روحی خفاش شب که می‌تواند نمادی از مردم ایران در آن سال‌ها باشد، سخن گفته و از اینکه آفتاب جهانگیر مدت‌ها طلوع نکرده، اظهار تأسف نموده است و در پایان شعر، آرزو می‌کند این اوضاع ناپسان غیرواقعی باشد و او در تحلیل‌های خود دچار اشتباه شده باشد. البته، روشن است که این دیدگاه به صورت کنایه و طعنه بازگو شده و واقعیت در نظر او چیز دیگری است. آنچه اندیشه‌های شاملو را به شیوه‌ای اثرگذار به تصویر کشیده، استفاده از دو صورت خیالی استعاره و تشبیه است.

در خلوتی که هست،

نه شاخه‌ای ز جنبش مرغی خورد تکان / نه باد روی بام و دری آه می‌کشد

حتی نمی‌کند سگی از دور شیونی / حتی نمی‌کند خسی از باد جنبشی ...

شوق سحر نمی‌دهد اندر فلوت خویش / خفاش شب نمی‌خورد از جای خود تکان

شاید شکسته پای سحرخیز آفتاب / شاید خروس مرده که مانده‌ست از اذان



مانده‌ست شاید از شنوایی دو گوش من / خوانده خروس و بی‌خبر از بانگ او منم  
شاید سحرگه گذشته و من مانده بی‌خیال  
بیناییم مگر شده از چشم روشنم (همان: ۷۲-۶۹)

احمد مطر نیز، دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی خود را با استفاده از تشبیه و استعاره بازگو کرده است. او از وطن خود سخن می‌گوید که چون کودکی نابینا و نزار، در تاریکی (نماد خفقان) به سوی تباہی حرکت می‌کند. دزدان (حاکمان) از هر طرف به سمت او می‌آیند و داشته‌هایش را به یغما می‌برند. در این سروده نمادین، اوضاع و احوال آن روزهای عراق به خوبی تشریح شده است.

وَطَنِي / طِفْلٌ كَفِيفٌ وَ ضَعِيفٌ / كَانَ يَمْشِي آخِرَ اللَّيْلِ / وَ فِي حَوَازِيهِ:

ماءٌ وَ زَيْتٌ، وَ رَغِيفٌ / فَرَأَةَ اللَّصُّ وَ أَنهَالٌ / بَسَكَيْنَ عَلَيْهِ / وَ تَوَارِي

بعدها استولی علی ما فی یدیه / ... والوالی هُوَ السِّكَيْنُ / وَ الشَّعْبُ نَزِيفٌ. (مطر، ۲۰۱۱: ۶۶)

و ظنم / کودکی کور و رنجور بود / که در انتهای شب راه می‌رفت / و در دستانش / آب و روغن و گندم بود / دزدی کودک را دید دشنه در دست / به او حمله‌ور شد / و پس از غارت دستانش / پا به فرار گذاشت ... حاکم همان دشنه است / و مردم به جان آمده از خونریزی مدام.

در شعر ذیل، مطر به طور تلویحی مخاطبان خود را به عصیان و اعتراض بر علیه وضعیّت نامساعد جامعه عراق فراخوانده است. بدین منظور، با جان‌بخشی به پدیده‌ای بی‌جان، گفتگوی میان دیوار و مبارزی نستوه را روایت می‌کند. دیوار، نمادی از افراد خنثی و ترسو است که برای حفظ منافع خود، در برابر ستم سکوت کرده‌اند. فرد مبارز هم، نماد وجدان بیدار جامعه می‌باشد.

هَتَفَ الحَائِطُ: / يَكْفِي! / رَأْسُكَ انْدَقَ / وقلبي تحت رجلیک انْفَطَرَ

أنت مُضْطَرٌّ؟! / تُمَرْدٌ! / لو تَمَرَّدتَ / فهل أَكثُرُ من هذا الضَّرَرِ؟ (همان: ۲۱۰)

دیوار بانگ برآورد / بس است! / سرت شکسته شد / قلبم زیر پاهایت شکافت / آیا تو مجبوری؟! / سرکشی کن! / اگر سربپیچی / آیا بیش از این از دست می‌دهی؟

مطر با لحنی آتشین و زبانی تند به تمامی حاکمان عرب منطقه تاخته است. از دید او، معضلات متعددی که اعراب به آن دچار شده‌اند، به واسطه سیاست‌های ناروای سران عرب به وجود آمده است. از این‌رو، آگاهانه به اتحادیه عرب حمله می‌کند و آن را باغ وحش حیوانات جنگلی می‌نامد.

فی جهه ما من هذی الکره الأرضیه / قفصٌ عصری لوحوش الغاب

یحرسه جندهٌ و حِرابٌ / قفصٌ عصری لوحوش الغاب

لا یمحُ لِلإنسانیه / أن تداخُلَهُ

فلقد کتبا فوق الباب: / جامعه الدول العربیه! (همان: ۷۴)

در گوشه‌ای از این کره خاکی / قفسی نوین برای حیوانات جنگلی است / که نظامیان مراقب آنند ... / قفسی نوین برای حیوانات جنگلی / که به انسانیت / اجازه ورود نمی‌دهد / بر در قفس نوشته‌اند: / اتحادیه عرب!

## ۲-۴-۲. تهکم و استهزاء

تهکم، نوعی نفرین و دشنام و در سطحی کلان‌تر، هزل محسوب می‌شود، اما «فرق میان آن دو این است که ظاهر تهکم جد و باطن آن استهزاء است و هزل، عکس آن می‌باشد». (حلبی، ۱۳۶۴: ۸۶) بنیاد تهکم «بر ضدیت و مباینیت لفظ و معنی استوار است. ظاهر کلام بر تعریف و تمجید و ستایش شخص یا چیزی دلالت می‌کند، در حالی که حاکی از تحقیر و استهزاء است». (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۱۱۶) در هوای تازه، لحن شاملو همراه با دشنام و استهزاء نیست. گویی شعر او به دلیل توجه ویژه‌اش به گرایش‌های عاشقانه از خشونت کلامی برخوردار نیست و نمونه‌هایی از این دست کمتر دیده می‌شود. او در «شعر ناتمام»، با زبانی نمادین، از شب سیاهی سخن می‌گوید که راه‌های

رسیدن به رهایی در آن تاریک، پیچ‌درپیچ و سخت‌گذر توصیف شده است. شاملو از کسانی که در پیدایی و تداوم این وضعیت نقش داشته‌اند با عناوین «نامردم»، «سفله‌زاد» و «مردار» یاد کرده و منش و کنش جفاکارانه آنها را نکوهیده است.

شب سیاه و سرد و ناپیدا سحر / راه پیچ‌پیچ و تنها رهگذر ...

با تن فرسوده، پای ریش‌ریش / خستگان بردم بسی بر دوش خویش

گفتم این نامردمان سفله‌زاد / لاجرم تنها نخواهند نهاد

لیک تا جانی به تن نشناختند / همچو مردارم، به راه انداختند (شاملو، ۱۳۷۲: ۳۵-۳۴)

شاملو در شعر «لعنت» با زبانی صریح، خداوندان ظلمت‌آیین زمانه‌اش را نکوهش کرده و با لحنی خطابی و همراه با عتاب، از آنها بیزاری جسته است. شب در منظومه فکری شاملو یکی از کلیدواژه‌های اصلی به شمار می‌رود. او شهر را تاریک و بدون نور و روشنایی دانسته و بیان کرده که به واسطه رفتار سردمداران وقت، چیزی جز تباهی و آینده-ای وهم‌آلود و بی‌پایه نصیب مردم نشده است. شاعر، وعده‌های توخالی حکومت وقت را برای ساخت آینده‌ای بهتر با ذکر عبارت «ظلمت‌آباد بهشت گند» به چالش کشیده است.

در تمام شب چراغی نیست / در تمام شهر / نیست یک فریاد

ای خداوندان خوف‌انگیز شب‌پیمان ظلمت‌دوست!

تا نه من فانوس شیطان را بیاویزم / در رواق هر شکنجه‌گاه پنهانی این فردوس ظلم‌آیین.

تا نه این شب‌های بی‌پایان جاویدان افسون پایه‌تان را من / به فروغ صد هزاران آفتاب جاودانی‌تر کنم نفرین

ظلمت‌آباد بهشت گندتان را در به روی من / باز نگشاید! (همان: ۱۰۵)

فضای سیاسی حاکم بر عراق در دوران بعث، شبیه آن چیزی است که شاملو در ایران تجربه کرده است. زبان اعتراضی و تهکم‌آمیز مطر صریح‌تر و خشن‌تر از زبان همتای ایرانی خود است. برای مثال، در شعر ذیل، مطر حاکم وقت را قاتلی نادان خوانده که به دلایل واهی، مردم را به دار می‌کشد و از بین می‌برد. مطر به طور مستقیم و دلیرانه شخص نخست کشور را به باد انتقاد گرفته و او را با الفاظی توهین‌آمیز مورد خطاب قرار داده است.

باسم والینا المبجل / قررّوا شتق الذی اغتال اخی / لکنه کان قصیراً!

فمضی الجلاذ یسأل: / رأسه لایصل الجبل / فماذا سوف أفعل؟

بعد تفکیر عمیق / امر الوالی بشنقی بدلاً منه / لانی کنت أطول! (مطر، ۲۰۱۱: ۶۷)

به نام نامی حاکم / دستور اعدام قاتل برادرم صادر شد، / اما قتل قاتل کوتاه بود! / جلاذ برای کسب تکلیف نزد حاکم رفت: / سرش به طناب دار نمی‌رسد / دستور چیست؟ / حاکم بسیار اندیشید، / سپس فرمان داد تا مرا به جای او به دار آویزند! / زیرا قتل من / بلندتر بود!

یکی از محورهای اصلی طنز سیاسی مطر، غرب‌ستیزی اوست. شاعر تمامی حکام منطقه را دست‌نشانده آمریکا و استکبار جهانی می‌داند و از آنها با عنوان «مردان اخته‌شده آمریکا» و «ببرهای کاغذی» یاد می‌کند. «طنز با نیشخندی کنایی و استهزاء‌آمیز که آمیخته با ابهامی از جنبه‌های مضحک و غیرعادی زندگی است، پای را از جاذبه شرم و تملک نفس بیرون می‌نهد». (سارتر، ۱۳۸۸: ۷۸) هدف مطر از بیان چنین صفاتی، اثبات ناتوانی، خواری، وطن‌فروشی و پوشالی بودن حکومت کسانی است که برای حفظ قدرت، خود را به بیگانه فروخته‌اند و برای ماندگاری خود، به آنها تکیه کرده‌اند.

قُتِلَ «السّادات» ... و «الشّاه» هَرَب / قُتِلَ «الشّاه» ... و «سوموزا» هَرَب / و «النمیری» هَرَب / و «دوفالیه» هَرَب ...

کُلُّ مَخْصِيٍّ لأمْرِیکا / طَریدٌ أَوْ قَتیلٌ مُرْتَقِبٌ! / کُلُّهُم نِمْرٌ / ولکن من خَسَب! (مطر، ۲۰۱۱: ۷۲)

سادات کشته شد ... شاه گریخت / شاه کشته شد ... سوموزا گریخت / نمیری گریخت / دووالیه گریخت ... همه مردان اخته‌شده آمریکا / فراری‌اند یا کشته ... همه ببرند / اما ببرهای کاغذی!

## ۲-۴-۳. واژه‌های طنزآمیز

بار معنایی برخی از واژگان خنده‌آور است و مخاطب با شنیدن آن، ناخودآگاه می‌خندد. این قابلیت که در شماری از واژگان وجود دارد، بستری مناسب برای طنزپرداز فراهم می‌کند. در اشعار شاملو، این واژه‌ها عمدتاً به نیت تشریح انتقادهای ادبی و گاهی سیاسی به کار رفته‌اند. او در «شعری که زندگی ست»، مبنای ساختاری و فکری شعر سنتی را نقد کرده و صراحتاً به بی‌اثر بودن این نوع شعر در جریان زندگی امروزی بشر اشاره نموده است. او سروده‌ای را که تنها بازگوکنندهٔ همنشینی فرد با باده و یار است، نکوهش کرده و کاربرد آن را از «مته» (نوعی ابزار کار) هم، پایین‌تر دانسته است. این رویکرد طنزآمیز نشان‌دهندهٔ توجه عمیق شاملو به خویشکاری شاعر و تعهدات او در قبال جامعه و مردم است. شاملو عقیده دارد که شاعر باید درد مشترکی را فریاد بزند که بیشتر مردم از انجام آن عاجز هستند. او در برابر جریان شعر سنتی، جریان شعر نو را مطرح و علم کرده و تعریف تازه‌ای از مقولاتی چون وزن و قافیه و عروض و ... ارائه داده و حضور این عناصر شعری را زمانی لازم دانسته است که در تعالی رشد شخصی و گروهی اثرگذار باشد و تنها برای تزئین و نمایان کردن قدرت شعری شاعر به کار نرود.

موضوع شعر شاعر پیشین / از زندگی نبود / در آسمان خشک خیالش او / جز با شراب و یار نمی‌کرد گفتگو  
او در خیال بود شب و روز / در دام گیس مضحک معشوقه پایبند

حال آنکه دیگران / دستی به جام باده و دستی به زلف یار / مستانه در زمین خدا نعره می‌زدند!  
موضوع شعر شاعر / چون غیر از این نبود / تأثیر شعر او نیز، / چیزی جز این نبود / آن را به جای مته نمی‌شد به کار زد

در راه‌های رزم / با دستکار شعر / هر دیو صخره را / از پیش خلق / نمی‌شد کنار زد (شاملو، ۱۳۷۲: ۸۳-۸۲)  
در شعر «حرف آخر»، شاملو از اینکه شاعران کلاسیک گرا بدون منطق و استدلال و مبتنی بر باورهای ناروا بر هواداران شعر نو می‌تازند، گله‌مند است و با دست‌مایه قرار دادن سال‌مرگ مایاکوفسکی شاعر روس، با واژگانی طنزآمیز بر لشکر مخالفان و به تعبیر او، «مسخره‌کنندگان ابله نیما» حمله می‌آورد. افزون بر این، شاملو این دست شاعران را به لحاظ فکری عقب‌مانده و واپس‌گرا می‌خواند که تنها نگاهی از روی تفنن به ادبیات و شعر دارند و به جنبه‌های کاربردی آن توجهی نشان نمی‌دهند. او با استفاده از واژگانی چون «چموش»، «پاندازان» و «پوزه» به آراء خود استواری بیشتری بخشیده است. هدف شاملو تحقیر صرف مخالفان خود نیست، بلکه با بهره‌گیری از واژه‌های مذکور، بر آن است تا جریان فکری ستیزه‌گر با شعر نو را با چالش روبه‌رو کند و مبنای آن را طنازانه مورد نقد قرار دهد.

شما مسخره‌کنندگان ابله نیما / و شما / کشندگان انواع ولادیمیر

این بار به مصاف شاعری چموش آمده‌اید / که بر راه دیوان‌های گرد گرفته / شلنگ می‌اندازد ...  
از شما می‌پرسم، پاندازان محترم اشعار هرجایی! / اگر به جای همهٔ ماده‌تاریخ‌ها، اردنگی به پوزه‌تان بیاویزد / با وی چه توانید کرد؟ (همان: ۳۰۵-۳۰۴)

شاملو در شعر «آواز شبانه برای کوچه‌ها»، با استفاده از واژگان طنزآمیز «شتک» و «تُف» حال و هوایی آمیخته به خنده پدید آورده است. البته هدف او از این کار، بازگفت دغدغه‌ای سیاسی اوست. اعدام‌ها و تیرباران‌های پی‌درپی که در دوران پهلوی رخ می‌داد و آزادی‌خواهان و مخالفان رژیم وقت را به کام مرگ می‌کشاند، انگیزهٔ اصلی او برای سرایش این شعر و بهره‌گیری از واژگان طنزآمیز بوده است. شاملو که شاعر آزادی است و برای تحقق این آرمان بزرگ متحمل زیان‌ها و سختی‌های خرد و کلان بسیاری شده، در شعر مذکور، لب به اعتراض گشوده و از این رفتار دژخیمانه انتقاد کرده است.

خداوندان درد من، آه! خداوندان درد من! / خون شما بر دیوار کهنهٔ تبریز شتک زد  
درختان تناور درّهٔ سبز / بر خاک افتاد / سرداران بزرگ / بر دارها رقصیدند  
و آیینۀ کوچک آفتاب / در دریاچهٔ شور / شکست ...



ابر به کوه و به کوچه‌ها تف می‌کرد / دریا جنبیده بود  
پیچک‌های خشم سرتاسر تپه گُرد را فروپوشیده بود (همان: ۲۴۳-۲۴۲)  
در سروده‌های مطر، این شگرد کمتر دیده می‌شود. او بخشی از مخاطبان خود را بزدل خطاب کرده و بر نقش آنها در شکل‌گیری و تداوم اختناق و ستمگری سیاسی تأکید ورزیده است. از دید او، مردم عراق در دور باطلی گیر افتاده‌اند که برآیند آن ترس از یکدیگر است. همین ترس بی‌پایه، عامل اصلی بقای حکومت جباران زمان شده است.  
نخافُ مِنْ رَئِيسِنَا / لَأَنَّهُ يَخَافُ / هُوَ الَّذِي أَخَافُنَا / وَحِينَ خِيفُنَا خَافُ  
مَنْ سَيُزِيلُ خَوْفَنَا / وَكَلَّنَا خَوَافًا؟! (مطر، ۲۰۱۱: ۲۷۲)  
ما از رئیس‌مان می‌ترسیم؛ / زیرا که او می‌ترسد / اوست که ما را می‌ترساند / و هنگامی که ما می‌ترسیم، او می‌ترسد / چه کسی هراس را از دل ما دور خواهد کرد / وقتی همه ما بزدلیم!؟

## ۲-۴-۴. توصیف خنده‌دار

هرگاه صحنه‌های ترسیم‌شده با حالت اصلی آن در تضاد باشد، مخاطب به طور ناخودآگاه می‌خندد. «برخی از نویسندگان به خصوص هنگام داستان‌نویسی، به جای توصیف معمولی شخصیت‌هایشان، سعی می‌کنند از توصیف‌هایی طنزآمیز استفاده کنند». (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۲۶۹) شاملو در مجموعه‌های تازه، بارها از این شیوه برای غنی‌کردن طنزهای خود بهره برده است. هرگاه شاعر بخواهد از موضوعات سیاسی و اجتماعی و ادبی سخن به میان آورد، ابزار توصیف شگردی ایده‌آل برای اوست. او در شعر «گل‌کو» از ماندگاری تاریکی و سیاهی (نمادی از حکومت وقت) سخن گفته و از اینکه در تمامی شئون زندگی نفوذ کرده، لب به اعتراض گشوده است. توصیفی که شاعر ارائه داده، دقیقاً نشان‌دهنده حال و هوای سیاسی آن روزهای ایران است. او می‌گوید:

شب ندارد سر خواب / می‌دود در رگ باغ / باد، با آتش تیزابش، فریادکشان  
پنجه می‌ساید بر شیشه در / شاخ یک پیچک خشک / از هراسی که ز جایش نریاید توفان  
من ندارم سر یأس / با امیدی که مرا حوصله داد  
باد بگذار بیچد با شب / بید بگذار بر قصد با باد  
گل‌کو می‌آید / گل‌کو می‌آید خنده به لب. (شاملو، ۱۳۷۲: ۴۴-۴۳)

این توصیف هدفمند در شعر «پریا» نیز، دنبال شده است. شاملو در این شعر با ترسیم شهری آرمانی برای پریانی که دچار مسخ شده‌اند و از اصل انسانی خود فاصله گرفته‌اند، نور امید را در وجود آنها زنده کرده است. شاعر می‌گوید:  
امشب تو شهر چراغونه / خونه ديبا داغونه / مردم ده مهمون مان / با دامب و دومب به شهر میان  
داريه و دمبک می‌زنن / می‌رقصن و می‌رقصونن / غنچه خندون می‌ریزن / نقل بیابون می‌ریزن  
های می‌کشن / هوی می‌کشن (همان: ۱۶۸)

او در ادامه از پری‌ها (نمادی از انسان‌های گرفتار و در بند اربابان جفاکار) می‌خواهد که در زندگی خود تغییر ایجاد کنند و در فکر پاره‌کردن زنجیرهای بردگی باشند. بی‌گمان، شاملو با رویکردی سیاسی، این شعر عامیانه را سروده و در آن به ترسیم اوضاع و احوال وضعیت فعلی جامعه و شرایط ایده‌آلی که می‌تواند در آینده رقم بخورد، پرداخته است.

طنز ابزار دور زدن سانسور است. (شکرخواه، ۱۳۸۰: ۱۷۵) در اشعار احمد مطر، این کارکرد دیده می‌شود. او برای نشان دادن نبود آزادی بیان در عراق، داستان سروده‌شدن یکی از اشعار خود را روایت کرده است. مطر عقیده دارد که شعر خوب از دید حکومت، خنثی و بی‌اثر است و بازخوردی در جامعه ندارد و از دردهای اجتماع حرف نمی‌زند.

بنابراین، بهترین دفتر شعر از نگاه حاکمان، سفید و خالی از واژه و عبارت است!

فَكَرْتُ بَأَن أَكْتُبَ شِعْرًا / لَا يَهْدِرُ وَقْتِش الرَّقْبَاءُ / لَا يَتَعَبُ قَلْبَ الْخُلَفَاءِ ...

هَبَاتٌ لَذَلِكَ أَقْلَامِي / وَوَضَعْتُ الْأَوْرَاقَ أَمَامِي

وَحَسَدَتْ جَمِيعَ الْأَرَاءِ ... / راجعتُ النَّصَّ بِإِمْعَانٍ  
فَبَدَّتْ لِي عِدَّةُ أَخْطَاءٍ / قُئِمْتُ بِحِكِّ بِيَاضِ الصَّفْحَةِ / وَاسْتَغْنَيْتُ عَنِ الْأَمْضَاءِ. (مطر، ۲۰۱۱: ۲۶۷)  
به نوشتن شعری اندیشیدم / که وقت مراقبانم را هدر ندهد / قلب حاکمان را نیازارد ... / قلم‌هایم را آماده ساختم /  
کاغذها را پیش رو نهادم / و همه نظرها را گرد آوردم ... / متن را به دقت واری کردم / چند خطا به نظرم رسید /  
سپیدی کاغذ را ستردم / به امضا نیازی نبود!

## ۲-۴-۵. اغراق

یکی از کارکردهای اصلی طنز، بازنمایی کاستی‌های جامعه است. در این رابطه، استفاده از اغراق اثربخشی ویژه‌ای دارد؛ چراکه با بزرگ‌نمایی مسائل گوناگون، دغدغه‌ها و مشکلات در نگاه مخاطبان بهتر جلوه‌گر می‌شود. اغراق «نوعی مجاز، وصف، مدح یا ذم چیزی زیادت از حد معمول است، به گونه‌ای که با عقل جور درنیاید و ممکن نباشد». (داد، ۱۳۸۵: ۴۲) طنزپرداز با بهره‌گیری از این تکنیک، تصاویر ذهنی خود را بزرگ‌تر از آنچه هست، در اثنای ابیات انعکاس می‌دهد.

در شعر شاملو، اغراق در سستی‌های اجتماعی و سیاسی، روشی سودمند برای به چالش کشیدن مبانی قدرت حاکم و آگاهی‌بخشی به مردمان است. او شهر را بی‌رمق و دور از شوق رسیدن به آزادی می‌داند که دیگر عناصر زندگی در آن به چشم نمی‌خورد و مردمان آن علاقه‌ای برای رهاشدن از زنجیر ستم نشان نمی‌دهند و فریاد حق‌جویانه‌ای از آنها به گوش نمی‌رسد و همگی سر در گریبان فروبرده‌اند. این شرایط به گونه‌ای وخیم است که حتی فرارسیدن بهار نیز، برای تغییر اوضاع و احوال فسرده شهر اثری ندارد و خبری از نوزایی دیده نمی‌شود. شاملو در شعر «بهار خاموش» به ترسیم فضای مرده سیاسی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پرداخته است.

بهار منتظر بی‌مصرف افتاد! / به هر بامی درنگی کرد و بگذشت

به هر کویی صدایی کرد و استاد / ولی نامد جواب از قریه، نزد دشت

نه دود از کومه‌ای برخاست در ده / نه چوپانی به صحرا دم به نی داد

نه گل رویید، نه زنبور پر زد / نه مرغ کدخدا برداشت فریاد

به صد امید آمد، رفت نومید / بهار، آری بر او نگشود کس در.

درین ویران به رویش کس نخندید / کسی تاجی ز گل نهاد بر سر

کسی از کومه سر بیرون نیاورد / نه مرغ از لاله، نه دود از اجاقی

هوا با ضربه‌های دَف نجیبید / گل خودروی برنامد ز باغی ...

بهار آمد، نبود اما حیاتی / درین ویران‌سرای محنت‌آور

بهار آمد، دریغا از نشاطی / که شمع افروزد و بگشایدش در! (شاملو، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۱)

در اشعار مطر نیز، اغراق پر بسامد است. او برای نشان‌دادن جو اختناق و حضور خبرچینان در تمامی بخش‌های جامعه، کودک تندرست و سالمی را به تصویر کشیده که بابت شرایط جسمانی مناسب خود، موظف پاسخ‌گویی به مأموران است. هدف مطر از این اغراق هنری، تاختن به فضای امنیتی آمیخته به وحشت و شک در عراق است.

وُلِدَ الْوَلَدُ سَلِيمًا / وَمُعَاوَى / طَلَبُوا مِنِّي اعْتِرَافًا! (مطر، ۲۰۱۱: ۱۱۹)

کودک تندرست و سالم / پا به دنیا گذاشت / از او اعتراف خواستند!

## ۲-۴-۶. تناقض

گاهی طنزپرداز در شعر خود به خلق تصاویری می‌پردازد که با هم سازگاری ندارند و در تناقضی آشکار هستند. این شرایط باعث تولید خنده در مخاطب می‌شود. شفیعی کدکنی در اهمیت این شگرد، آن را محور تعریف همه طنزهای

واقعی می‌داند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۴) و می‌گوید: «طنز عبارت است از تصویرهای هنری اجتماع نقیضین» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴: ۵۱)

در شعر شاملو، تناقض جایگاه برجسته‌ای در خط سیر فکری او ندارد، اما در چند مورد به نیت بازگویی انتقادهای سیاسی خود، از شگرد مذکور سود جسته است. او در شعر «صبر تلخ»، به عدم صداقت و خلوص دوستان دور و نزدیکش اشاره کرده و با ذکر صفات پارادوکسی در کنار هم، آشفتگی روحی خود را از بی‌وفایی یاران نشان داده و آنها را بابت رفتارهای دوگانه (نیمی مثبت و روشن و نیمی منفی و تاریک) نکوهش کرده است. با این حال، واکنش شاملو در برابر چنین رفتارهایی سکوت و صبوری است. عبارت‌های متناقض «دوستان دشمن»، «مهربانان در جنگ» و «یکدلان ناهم‌رنگ» تبیین‌کننده دیدگاه‌های شاملو در این باره است.

آه / دوستان دشمن با من / مهربانان در جنگ / همراهان بی‌ره با من / یکدلان ناهم‌رنگ ...

من ز خود می‌سوزم / همچو خون من کاندلر تب من

بی‌که فریادی ازین قلب صبور / بچکد در شب من

بسته پیمان گویی / با سکوتی لب من. (شاملو، ۱۳۷۲: ۴۷)

مطر نیز، آشفتگی‌های درونی خود را با استفاده از این شگرد نشان داده است. او در حالی بین زندگی و مرگ ایستاده است که به هیچ کدام تعلق ندارد و میان خویشتن و خویشتن، خود واقعیش را گم کرده است. این حالت‌های پریشانی درونی در سطح خرد، بیانگر وضعیت جامعه عراق در سطحی کلان‌تر است. به نظر می‌رسد، مطر در شعر ذیل نماینده مردمی است که همچون او دچار پریشان‌حالی شده‌اند و بی‌برنامه و سردرگم، چشم به راه آینده‌ای مبهم هستند.

بین حیاتی و مماتی / واقف کالفاصله

لست هنا ... ولا هنا / اضع / ما بینی و ما بینی انا

وکل نبض فی عروقی بوصله. (مطر، ۲۰۱۱: ۱۴۴)

میان زندگانی و مرگم / چون فاصله ایستاده‌ام / نه اینجا ... نه آنجا / میان خویشتن و خویشتن / خود را گم کرده‌ام / حال آنکه نبض نبض رگام قطب‌نماست.

### ۳. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج تحقیق حاضر عبارت است از:

۱. شاملو و مطر در جامعه‌های زندگی کرده‌اند که آزادی بیان، فعالیت‌های سیاسی و نقد مبنای حکومتی ممنوع و همراه با عواقب ناخوشایندی بوده است. همچنین، ناهنجاری‌ها و کاستی‌های اجتماعی در این جوامع فراگیر بوده است. از این‌رو، دو شاعر با استفاده از طنز، به نقد این شرایط پرداخته‌اند.

۲. جریان‌های سیاسی و اجتماعی که در ایران (کودتای ۲۸ مرداد) و عراق (شکست اعراب از اسرائیل) به وقوع پیوست، اشعار شاملو و مطر را تحت تأثیر قرار داده است.

۳. تکنیک‌های طنزپردازی مشترک در طنزهای شاملو و مطر عبارت است از: تشبیه و استعاره‌های خنده‌دار؛ تهکم و استهزاء؛ واژه‌های طنزآمیز، توصیف خنده‌دار، اغراق و تناقض.

۴. هر دو شاعر از این تکنیک‌ها برای آگاهی‌بخشی به مخاطبان خود استفاده کرده‌اند و از این طریق، ارتباط قدرتمندی میان متن تولیدی و مخاطب پدید آورده و مانع شعارزدگی شده‌اند.

۵. کارکرد اصلی این شگردها در طنز مطر، سیاسی و در طنز شاملو، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین، طنز مطر یکسونگر است، اما طنز شاملو به ابعاد گوناگونی اشاره می‌کند. هدف آنها از گرایش به طنز، بازگویی دردها به امید درمان آن بوده است.

۶. طنزهای مطر تنها محدود به وضعیّت جامعه عراق نمی‌شود و تمامی ملّت‌های عرب را دربر می‌گیرد، امّا شعر شاملو، در غالب موارد، مربوط به نقد سیاست‌های حکومت وقت ایران بوده است.
۷. در طنزهای مطر به نقش مردم، حاکمان داخلی و استکبار جهانی در پیدایی و رشد خفقان سیاسی و کاستی‌های اجتماعی اشاره شده است، امّا در اشعار شاملو، نقش حکومت وقت برجسته شده است.
۷. با توجّه به بسامد محدود شگرد تهکّم و استهزاء در شعر شاملو، می‌توان گفت که طنزهای او از خشونت کلامی کمتری نسبت به همتای عرب‌زبانانش برخوردار است.
۸. طنزهای مطر بیشتر از سروده‌های شاملو مخاطب را به خنده وامی‌دارد. اشعار شاملو، خنده‌ای تلخ و زودگذر بر لبان خوانندگان می‌نشانند.

## ۱. مراجع

### الف) منابع فارسی

- ۱- آرزین پور، یحیی؛ *از صبا تا نیما*؛ ج ۲، چاپ پنجم، تهران: زوآر، ۱۳۷۲.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی؛ *«دم‌زدنی چند در هوای تازه»*؛ مجموعه مقالات شعری که زندگی‌ست، نقد و تحلیل اشعار احمد شاملو، به اهتمام مجید قدمیاری، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۹۲؛ صص ۲۴۴-۱۸۷.
- ۳- اصلانی، محمدرضا؛ *فرهنگ اصطلاحات و واژگان طنز*؛ تهران: کارون، ۱۳۸۷.
- ۴- بی‌نام؛ *نگاهی به خویش: گفتگو با شاعران و نویسندگان معاصر عرب*؛ ترجمه حسن حسینی و موسی بیدج، تهران: سروش، ۱۳۸۰.
- ۵- پورنامداریان، تقی، *خانه‌ام ابری است*، تهران: مروارید، ۱۳۹۰.
- ۶- \_\_\_\_\_، *«تأملی در شعر شاملو»*، مجموعه مقالات شعری که زندگی‌ست، نقد و تحلیل اشعار احمد شاملو، به اهتمام مجید قدمیاری، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۹۲؛ صص ۱۶۸-۱۱۶.
- ۷- حلبی، علی‌اصغر؛ *مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران*؛ چاپ اول، تهران: بیک، ۱۳۶۴.
- ۸- داد، سیما؛ *فرهنگ اصطلاحات ادبی*؛ تهران: مروارید، ۱۳۸۵.
- ۹- رجبی، فرهاد؛ *«رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و احمد مطر»*؛ مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۷، ۱۳۹۱؛ صص ۱۰۲-۷۳.
- ۱۰- رضایی‌نیا، عبدالرضا؛ *خندیدن با لبان زخم*، گزیده‌ای از اشعار احمد مطر؛ چاپ اول، تهران: روایت فتح، ۱۳۹۲.
- ۱۱- سارتر، ژان پل؛ *ادبیات چیست؟*؛ ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، چاپ هشتم، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۸.
- ۱۲- سلیمانی، محسن؛ *«شگردهای خنده‌سازان و طنزپردازان»*؛ ارائه‌شده در مجموعه مقالات اسرار و ابزار طنزنویسی، چاپ اول، سوره مهر: تهران، ۱۳۹۱؛ صص ۲۹۸-۲۶۶.
- ۱۳- شاملو، احمد؛ *هوای تازه*؛ تهران: نگاه و زمانه، ۱۳۷۲.
- ۱۴- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ *مفلس‌کیمیافروش*؛ چاپ دوم، تهران: سخن، ۱۳۷۴.
- ۱۵- \_\_\_\_\_؛ *این کیمیای هستی*؛ به کوشش ولی‌الله درودیان، چاپ سوّم، تبریز: آیدین، ۱۳۸۵.
- ۱۶- شکرخواه، یونس؛ *طنز، تنوری‌ها و پارادایم‌ها*؛ تهران: سال‌نامه گل آقا، ۱۳۸۰.
- ۱۷- صدقی، حامد و قدیمی، مرتضی؛ *«مهم‌ترین عناصر معنایی شعر احمد مطر»*؛ مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عرب، سال ۱، شماره ۳، ۱۳۸۴؛ صص ۹۰-۶۹.

بررسی تکنیک‌های طنزپردازی مشترک و کارکردهای آن؛ در مجموعه‌های «هوای تازه» از شاملو و «لافتات» از احمد مَطر / ۱۳

۱۸- صفیایی، علی و علیزاده جوینی، علی؛ «تحلیل گفتمان و گفتمان طنز در شعر حرف آخر شاملو»؛ دوفصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۲، شماره ۷۷، ۱۳۹۳؛ صص ۱۵۴-۱۳۳.

۱۹- عسگری‌پاشایی، عبدالله؛ نام همه شعرهای تو؛ زندگی و شعر احمد شاملو «ابامداد»؛ ج ۱، تهران: ثالث، ۱۳۷۸.

۲۰- عظیمی، کاظم و سپهوند، فاطمه؛ «مقایسه تطبیقی طنز سیاسی- اجتماعی در اشعار نسیم شمال و احمد مَطر»؛ مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت، سال ۱۱، شماره ۲، ۱۳۹۶؛ صص ۳۱-۹.

۲۱- گذشتی، محمدعلی و دلاور، پروانه؛ «تحلیل کاربردشناختی طنز در شعر احمد شاملو»؛ فصل‌نامه مطالعات نقد ادبی دانشگاه آزاد تهران مرکزی، دوره ۸، شماره ۳۳، ۱۳۹۲؛ صص ۶۲-۳۷.

۲۲- محسنی، علی‌اکبر؛ «بازتاب پیامدهای استبداد در شعر احمد مَطر»؛ نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۹، شماره ۱۶، ۱۳۹۶؛ صص ۲۵۸-۲۳۷.

۲۳- مختاری، قاسم و سپهری‌نیا، جواد و جوکار، سمیرا؛ «طنز سیاسی- اجتماعی در اندیشه‌های عبید زاکانی و احمد مَطر»؛ کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه، سال ۳، شماره ۱۲، ۱۳۹۲؛ صص ۱۴۶-۱۲۱.

۲۴- نیکویخت، ناصر؛ هجو در شعر فارسی؛ چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

ب) منابع عربی

23- مَطر، احمد؛ المجموعه الشعریه؛ چاپ اول، بیروت: دارالعروبه، ۲۰۱۱م.

